

## **Impulses and barriers affecting the political socialization of educated women in Tehran**

### *Abstract*

The issue of political socialization of women has been one of the most important concerns of the intellectual, cultural, social and political circles of the Third World in recent decades. Although this phenomenon is one of the achievements of modern culture and Western civilization, but today it has become a global concern that does not belong to other Western societies and the reason for this is its globalization and expansion. The present study was an attempt to answer the main question: to what extent is the extent to which political sociability is realized among educated women in Tehran? And what factors are considered as variables affecting it as an independent variable. For this purpose, to measure political sociability, according to studies and backgrounds conducted abroad and at home, he has used the three main indicators of political awareness, political attitude and political participation, and the sum of these three indicators makes our dependent variable. The research method of this research is survey, which has surveyed 384 educated women in Tehran using the Cochran's formula as a sample population, using a questionnaire. The reliability of the research questions was confirmed by Cronbach's alpha with an average value of 0.819. The results of the study confirm the relationship between the level of political socialization with the maps of family, friends and peers, religiosity, marital status, education and age of respondents.

**Keywords:** Political socialization of women, family, friends and peers, religiosity, political awareness, political attitude, political participation.

## پیشران‌ها و موانع اثرگذار بر جامعه‌پذیری سیاسی زنان تحصیل کرده تهرانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۷

رؤیا زمانی<sup>۱</sup>

شهلا کاظمی‌پور<sup>۲</sup>

روزا کرم‌پور<sup>۳</sup>

### چکیده

اگرچه جامعه‌پذیر کردن سیاسی زنان از دستاوردهای فرهنگ نوین و تمدن غربی است، اما امروزه به دغدغه جهانی تبدیل شده است که به جوامع غربی دیگر اختصاص ندارد و علت این امر جهانی شدن و گسترش آن است؛ تحولاتی که گفتمان جامعه‌پذیری سیاسی به گفتمانی جهان‌شمول تبدیل کرده است. در راستای جامعه‌پذیر شدن سیاسی افراد موانعی وجود دارد؛ تحقیق حاضر تلاشی برای رسیدن به پاسخ این سؤال اصلی بود که سنجش میزان تحقق جامعه‌پذیری سیاسی در بین زنان تحصیل کرده تهرانی در چه میزانی قرار دارد؟ و چه عواملی به عنوان متغیرهای اثرگذار بر آن به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. بدین منظور برای سنجش جامعه‌پذیری سیاسی، با توجه به مطالعات و پیشینه‌های انجام شده در خارج و داخل از سه شاخص اصلی آگاهی سیاسی، نگرش سیاسی و مشارکت سیاسی استفاده کرده است و مجموع این سه شاخص، متغیر وابسته ما را می‌سازد. روش تحقیق این پژوهش از نوع پیمایش بوده، که تعداد ۳۸۴ نفر از زنان تحصیل کرده در شهر تهران را با استفاده از فرمول کوکران، به عنوان جامعه نمونه، با استفاده از ابزار پرسشنامه مورد کاوش قرار داده است.

واژگان کلیدی: جامعه‌پذیری سیاسی، دینداری، خانواده، زنان تحصیل کرده

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، zamani.r.1400@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) skazemipour@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، rozakarampour@yahoo.com

جامعه‌پذیری جریانی است که طبق آن شخص، در طول حیات خویش تمامی عناصر اجتماعی و فرهنگی محیط خویش را فرامی‌گیرد و درونی می‌سازد و با ساخت شخصیت خود تحت تأثیر تجارب و عوامل اجتماعی معنادار یگانه می‌سازد تا خود را با محیط اجتماعی که باید در آن زیست کند تطبیق دهد (روشه ۱، ۱۳۸۷: ۱۵۰). بر این اساس، مولر جامعه‌پذیری سیاسی را به معنای کسب زبان مشترک، آگاهی درباره حکومت، آگاهی درباره نقش شهروندی و تحمل دیدگاه‌های مختلف می‌داند (مرزوقی، ۱۳۷۹: ۹). سگل ۲ نیز جامعه‌پذیری سیاسی را یادگیری تدریجی هنجارها، نگرش‌ها و رفتارهای قابل قبول برای نظام سیاسی می‌داند (فتیحی آشتیانی، ۱۳۷۷: ۴۳) محتوای جامعه‌پذیری سیاسی را همان آموخته‌های فرد تشکیل می‌دهد. این محتوا می‌تواند شامل آگاهی یعنی تمایلات و باورهای مشخص درباره سیاست باشد و امتیازهای فراگرفته شده از طریق فعالیت سیاسی همچون وابستگی حزبی، ایدئولوژی، رأی دادن و مانند آن را نیز دربرگیرد. از این گذشته ممکن است محتوا به سمت گیری در مقابل اقتدار مربوط باشد (چیلکوت، ۱۳۸۷: ۳۵۹).

### ادبیات نظری تحقیق

انسان فعلیت‌یافته نه محصول طبیعت و وراثت و نه محصول محیط اجتماعی فرهنگی صرف، بلکه بیشتر محصول کنش پیچیده دو سویه و تأثیر متقابل این دو است. فرایندی که متکفل برقراری این ارتباط و فعلیت‌دهی و شکوفا سازی یا احیاناً سرکوب و پرورش ناموزون سرمایه‌های طبیعی و زیستی، ظرفیت‌های ژنتیک و قابلیت‌های وجودی انسان می‌شود. این فرایند به زبان جامعه‌شناختی، جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن و به زبان تعلیم و تربیت، شکوفایی استعدادها بالقوه نامیده می‌شود.

جامعه‌پذیری به اعتبار قلمروهای مختلف تعلق، حضور و فعالیت اجتماعی، گونه‌های مختلفی همچون جامعه‌پذیری قومی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی، شغلی، جنسی و غیره دارد. یکی از مهم‌ترین این انواع جامعه‌پذیری سیاسی است که به نحوه ارتباط میان فرد با نهاد سیاست و قدرت و به بیان دیگر، به حوزه مدیریت کلان جامعه و سازمان‌های اجتماعی مربوط می‌شود. جامعه‌پذیری سیاسی در عین اشتراک با سایر گونه‌های پذیری و جامعه‌پذیری به معنای عام و در اصطلاح جامعه‌شناختی، از جهاتی نیز متمایز است. جامعه‌پذیری سیاسی نیز فرایند آشناسازی افراد با نظام سیاسی جامعه خود و تعیین یابی نسبی ادراکات و واکنش‌های آن‌ها نسبت به پدیده‌های سیاسی است.

#### - آگاهی سیاسی:

نظریه پدیدارشناسی، به مسئله آگاهی پرداخته و از افکار فیلسوفانی قبیل: هوسرل، برگسون، مرلوپتی، برگر و لوکمان سرچشمه می‌گیرد. مارکس نیز بر آگاهی سیاسی در جامعه‌پذیری تأکید دارد و آن را یک فراورده اجتماعی می‌داند که برآیند نیاز، بایستگی زندگی و روابط انسان‌ها با یکدیگر است. او آگاهی را وابسته به جایگاه طبقاتی برمی‌شمرد و آن را برساخته طبقه فرادست جامعه (یعنی دولت) می‌داند که از طریق ایدئولوژی، به نابرابری‌های موجود در اجتماع مشروعیت می‌بخشد. نولی جامعه‌پذیری را مرکب از نهادها، روندها و سازوکارهایی است که به وسیله آن اعضای جامعه به آگاهی سیاسی دست می‌یابند و الگوها را می‌پذیرند.

#### - نگرش سیاسی:

1. Roche  
2. Segal

از نظر کلمن جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی است که افراد از طریق آن، نگرش‌ها و احساساتی در قبال نظام سیاسی و نقش‌هایی که در آن دارند، کسب می‌کنند. این فراگرفته‌ها، شامل شناخت‌ها (دانسته‌ها یا باورهای هر فرد درباره نظام، موجودیت و روش کار آن) احساسات (نحوه احساس فرد در قبال نظام، از جمله حس وفاداری و احساس تکلیف مدنی) و احساس شایستگی سیاسی در جامعه و نقش بالفعل یا بالقوه فرد در نظام می‌شود. در حقیقت جامعه‌پذیری سیاسی از طریق نهاد آموزش همان آموخته‌های فرد است که شامل آگاهی سیاسی است که به نگرش‌ها و باورهای شخص درباره سیاست شکل می‌دهد و از طریق فعالیت سیاسی همچون مشارکت سیاسی به فعلیت می‌رسد (تاج‌بخش، ۱۳۸۵: ۴۴).

- مورالیدهاران و سانگ در سال ۲۰۱۵ در تحقیقی با موضوع «تأثیر مستقیم و میانجی اثربخشی اطلاعات بر رفتارهای انتخاباتی: جامعه‌پذیری سیاسی جوانان در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۲ آمریکا» به بررسی نقش اثربخشی اطلاعات و جامعه‌پذیری سیاسی جوانان بر رفتارهای انتخاباتی آنان پرداختند. هدف از این تحقیق بررسی چگونگی شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی جوانان شرکت‌کننده در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲ آمریکا با توجه به فرایند جامعه‌پذیری سیاسی‌شان و عواملی که به‌طور بالقوه در رای دادن آن‌ها دخالت دارد، بوده است. در این تحقیق که ۳۶۳ روز پس از انتخابات انجام گرفته است، از چارچوب نظری جامعه‌پذیری سیاسی استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد متغیرهایی همچون جنسیت، بحث‌ها و اخبار انتخاباتی و روابط با گروه همالان تأثیرات مستقیمی بر میزان اطلاعات سیاسی افراد داشته است و به دنبال آن اثربخشی این اطلاعات بر برنامه‌های سیاسی، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر میزان مشارکت سیاسی افراد داشته است. همچنین تأثیر اثربخشی اطلاعات یک رابطه میانجی از طریق اجتماعی شدن با مشارکت سیاسی افراد داشته است.

- شوارزر (۲۰۱۱) تحقیقی با عنوان جامعه‌پذیری سیاسی به‌عنوان عاملی برای اشتغال سیاسی و مشارکت سیاسی انجام داد. این تحقیق بر روی الگوی جامعه‌پذیری دانش‌آموزان که می‌تواند به‌عنوان نقطه شروع مشارکت سیاسی دیده شود متمرکز است. در این تحقیق به خاطر اهمیت مدارس در تعلیم و تربیت دانشجویان، به‌خاطر این‌که دانش‌آموزان شهروندان خوبی شوند توجه ویژه‌ای شده است. مطالعه چندین انتخابات بعد از ۲۰۰۸ نشان داد که رای‌دهندگان جوان خیلی علاقه‌مند به سیاست هستند، ولی احتمال خیلی کمی وجود دارد که در انتخابات شرکت کنند. در این تحقیق به چندین عامل تأثیرگذار جامعه‌پذیری که بر روی اشتغال سیاسی و مشارکت سیاسی ۱۳ و ۱۴ ساله و ارتباط بین اشتغال سیاسی و مشارکت سیاسی دانش‌آموزان توجه کرده است. عامل‌های مهم مشارکت سیاسی خانواده و همسالان به‌عنوان عوامل اولیه و مدرسه و رسانه به‌عنوان عوامل ثانویه هستند. بر طبق نتایج تحقیق عوامل اولیه نسبت به عوامل ثانویه بیشتری بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان داشته‌اند که این امر نشان می‌دهد که از عوامل ثانویه غفلت شده است. در فرضیه بعدی آن‌ها، ارتباط بین مشارکت سیاسی و اشتغال سیاسی نیز تأیید شد.

### روش پژوهش

نوع روش پژوهش حاضر توصیفی - پیمایشی است و از پرسشنامه محقق ساخته جهت سنجش استفاده شده است. برای گرفتن نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ابتدا از هر گروه یک منطقه انتخاب و در هر منطقه به‌صورت سهمیه‌ای تعدادی تعیین و در نهایت با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به انتخاب افراد با تحصیلات عالی پرداخته شد و پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش شامل ۶۱ پرسش بوده است.

جدول شماره ۱: میزان پایایی متغیرها

شاخص	سوالات	ضریب آلفای
آگاهی سیاسی	۹	۰/۸۰۱
نگرش سیاسی	۶	۰/۷۴۱
مشارکت سیاسی	۶	۰/۷۳۶
جامعه‌پذیری سیاسی	۲۱	۰/۷۳۴
خانواده	۷	۰/۷۸۴
همسالان و دوستان	۶	۰/۸۲۴
باورهای مذهبی (دینداری)	۷	۰/۸۳۳
کل سوالات	۴۱	۰/۸۱۹

یافته‌ها

الف. آمار توصیفی متغیرهای مستقل

جدول شماره ۲. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب گروه‌های سنی، وضع تأهل و تحصیلات

گروه‌های سنی	درصد فراوانی	وضع تأهل	درصد فراوانی	تحصیلات	درصد فراوانی
۲۲-۳۴ سال	۹/۹	مجرد	۲۸/۱	لیسانس	۳۵/۹
۳۵-۴۴ سال	۷۰/۱	متاهل	۶۱/۲	فوق لیسانس	۵۱/۰
۴۵-۵۴ سال	۱۴/۱	بدون همسر بر اثر فوت	۳/۱	دکتر	۱۰/۲
۵۵ سال به بالا	۴/۲	بدون همسر بر اثر طلاق	۶/۰	فوق دکتر	۲/۹
اظهار نشده	۱/۸	اظهار نشده	۱/۶	اظهار نشده	۰
جمع	۱۰۰	کل	۱۰۰	کل	۱۰۰

جدول شماره ۳. توزیع درصد جمعیت نمونه برحسب نقش‌های خانواده، دوستان و دینداری

میزان	خانواده	دوستان	دینداری
خیلی زیاد	۱۵/۱	۱۵/۱	۱۸/۰
زیاد	۲۳/۲	۱۶/۷	۲۹/۹
متوسط	۳۳/۳	۵۰/۳	۲۳/۷
کم	۱۳/۸	۱۴/۸	۱۳/۵
خیلی کم	۱۴/۶	۳/۱	۱۴/۸

اصلاً	۰	۰	۰
درصد کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین	۳/۲۲	۳/۲۵	۳/۱۰
تعداد کل	۳۸۴		

۱۵/۱ درصد پاسخگویان بیان کرده‌اند که خانواده‌شان تأثیرات خیلی زیادی و حدود ۲۳/۲ درصد از آن‌ها به میزان زیاد در جامعه‌پذیری سیاسی آن‌ها داشته‌اند. حدود ۳۳/۳ درصد از پاسخگویان میزان این تأثیر را متوسط ارزیابی کرده‌اند. در ادامه حدود ۱۳/۸ درصد از پاسخگویان میزان این تأثیر را کم و حدود ۱۴/۶ درصد آن را خیلی کم ارزیابی کرده‌اند. عدد میانگین کلی این شاخص روی عدد ۳/۱۰ که بین اعداد ۱/۱۴ - ۴/۸۶ است. ۱۵/۱ درصد پاسخگویان در جامعه‌پذیری سیاسی خیلی زیاد و و حدود ۱۶/۷ درصد به میزان زیادی دوستانشان دخالت داشته‌اند و با آن‌ها هم‌نظر و هم عقیده‌اند و آن‌ها تأثیر زیادی روی‌شان داشته‌اند. حدود ۵۰/۳ درصد پاسخگویان میزان تأثیر دوستانشان را متوسط ارزیابی کرده‌اند. ۱۴/۸ درصد از پاسخگویان میزان تأثیر آن‌ها را کم و و حدود ۳/۱ درصد این میزان تأثیر را خیلی کم ارزیابی کرده‌اند. عدد میانگین کلی اعداد بین ۱ تا ۵ این شاخص روی عدد ۳/۲۵ است.

جدول شماره ۴. توزیع درصد جمعیت نمونه برحسب شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی

میزان	آگاهی سیاسی	نگرش سیاسی	مشارکت سیاسی	جامعه‌پذیری سیاسی
خیلی زیاد	۲۱/۶	۱۴/۱	۱۸/۲	۱۹/۳
زیاد	۳۱/۵	۱۳/۵	۲۰/۳	۱۶/۴
متوسط	۱۷/۷	۳۷/۰	۳۵/۷	۳۳/۱
کم	۲۲/۹	۲۰/۳	۱۳/۳	۲۲/۷
خیلی کم	۶/۳	۱۵/۱	۱۲/۵	۸/۶
درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین	۳/۰۳	۳/۰۸	۳/۱۸	۳/۱۵
تعداد	۳۸۴			

جدول ۵ نتایج تحلیل رگرسیون را نشان می‌دهد. در این جدول مقدار  $t$ ,  $\beta$  و همچنین سطح معنی‌داری هر کدام از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته نشان داده شده است. هر چه  $t$  و  $\beta$  بزرگ‌تر و سطح معنی‌داری  $\text{sig}$  کوچکتر باشد، بدین معنی است که متغیر مستقل (پیش‌بین) تأثیر شدیدی بر متغیر وابسته دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که متغیرهای خانواده، دوستان، سن و تحصیلات تأثیر معنی‌داری بر میزان جامعه‌پذیری سیاسی زنان داشته و بقیه متغیرها تأثیر معنی‌داری نداشته‌اند که می‌توانند از مدل رگرسیون حذف شوند. نتایج جدول همچنین نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مستقل متغیر دوستان و همسالان بیشترین مقدار در تبیین واریانس متغیر وابسته (جامعه‌پذیری سیاسی زنان) را دارد. فرمول معادله همبستگی چندمتغیره متغیر جامعه‌پذیری سیاسی زنان با متغیرهای مستقل مانده در معادله به شرح زیر می‌باشد:

$$\text{(دوستان)} + ۰/۲۹۲ + \text{(خانواده)} + ۰/۳۰۷ + ۱/۲۱۲ = \text{میزان جامعه‌پذیری سیاسی زنان}$$

(تحصیلات) -۰/۹ (سن) +۰/۰۵۶

جدول شماره ۵: نتایج تحلیل رگرسیون

متغیرها	B	Beta	t	sig
ضریب ثابت	۱/۲۱۲	-	۹/۸۴۷	۰/۰۰۰
سن	۰/۰۵۶	-۰/۱۷۱	-۴/۹۶۰	۰/۰۰۰
تحصیلات	-۰/۹	-۰/۲۰۹	-۳/۶۳۶	۰/۰۰۰
خانواده	۰/۳۰۷	۰/۵۱۹	۹/۱۹۸	۰/۰۰۰
دوستان	۰/۲۹۲	۰/۵۵۸	۸/۸۵۶	۰/۰۰۰
دینداری	۰/۰۱۰	۰/۰۲۱	۰/۳۶۲	۰/۷۱۷

- ۲۴۱

### نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان داد بین جامعه‌پذیری سیاسی زنان و متغیرهای خانواده، دوستان و دینداری رابطه وجود دارد. این نتیجه با مطالعاتی مانند دایمر، ساندل پاچکو، شوارزر و اسکندری همسو بود. در زمینه ارتباط بین تأثیر نقش دوستان و همسالان بر میزان جامعه‌پذیری سیاسی زنان، هیون و کیم، مورالید هاران و سانگ، شوارزر، حسینی و همکارانش، اسکندری، بیشترین عامل تأثیرگذار را نقش دوستان و همسالان اعلام کرده‌اند. در زمینه ارتباط بین تأثیر میزان دینداری بر میزان جامعه‌پذیری زنان تحقیق اسکندری نیز مؤید همین مطلب است.

### منابع

- حداد، سحر (۱۳۹۵)، «تحلیلی بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه